



نگاهی به چاپ جدید کتاب تاریخنامه طبری

● مجتبی تبریزیا

از استاد محمدروشن تاکنون آثار ارزشمندی در عرصه تحقیق و تالیف و تصحیح به جامعه علمی کشور عرضه شده است. اخیراً نیز تصحیح اثر گرانقدر تاریخنامه طبری را روانه بازار نشر کردند. تاریخنامه طبری ترجمه اثر مورخ معروف مسلمان محمدبن جریر طبری است. این مورخ و مفسر معروف که در امل به دنیا آمد (حدود ۲۲۶ هـ. ق) و در بغداد وفات یافت (۳۱۰ هـ. ق)، صاحب اثر معروف اخبار الامم و الملوک می باشد که تحت عنوان تاریخ طبری از سوی مرحوم ابوالقاسم هاینده به فارسی ترجمه شده است. بر اساس تاریخ طبری، در روزگار سامانیان، ابوعلی محمدبن محمدبن عبدالله بلعمی (وفات: ۳۶۳ هـ. ق) کتاب معروف تاریخ بلعمی را ساخت. اینک نیز از تاریخنامه طبری به همت آقای محمدروشن تصحیح جدید و کامل تری (نسبت به تصحیحات قبلی) با افزودن تعلیقات و توضیحات در پنج مجلد در اختیار دانش پژوهان قرار گرفته است. نقطه نظرات استاد محمد روشن در مورد کیفیت انتساب ترجمه تاریخ طبری به ابوعلی بلعمی و به طور کلی نقش بلعمی در فرایند ترجمه این اثر قابل توجه است که در زیر، قیل از معرفی کوتاه مجلدات پنجگانه چاپ حاضر، به این اظهار نظرات که در پیشگفتار بسیار مبسوط ایشان مندرج است اشاره می شود.

استاد روشن در درآمد کوتاهی قبل از پیشگفتار که به تصحیحات و چاپهای قبلی خود از تاریخنامه طبری اشاره می کند، چکیده ای از تفحصات خود را چنین باز نمودند: «سپاس و آزادی خدای را که تاریخنامه طبری که به نامرست در پارهای از نگاشته های پارسی تاریخ بلعمی خوانده شده است و من به فراخی در پیشگفتار خود از این انتساب ناروا سخن راندم و باز نمودم که ابوعلی محمدبن محمدبن بلعمی از پایه و مایه دانش بهرهای چندان نداشته و در این کار واسطه های بیش نبودست و ترجمه ناب این اثر از دبیران و منشیان دانشمندی گنم دیوان سامانیان بوده است و سه تن یا سه گروه در این کار اهتمام ورزیدند و به بسیار احتمال از کار هم دیگر آگاهی نداشتند.» بنابراین تاریخنامه طبری در سه گونه روایت گردانیده شده است. استاد روشن در ادامه به شرح و تفصیل دلایل و شواهد خود بر این مدعا می پردازد که دلیل اول را وجود دو گونه مقدمه تازی و فارسی بر سر نسخه ها و شاهد دیگر را تفاوت های فاحش شیوه نگارش و روایت نسخه ها نسبت به یکدیگر می دانند ایشان، افزون بر استنباطها و دریافت های خود در خصوص سه گانه بودن روایتهای تاریخنامه، به تردیها و دریافت های پیشگامان تحقیقات ادبی و تاریخی در ایران، از جمله علامه محمد قزوینی و محمد تقی ملک الشعراء بهار اشاره می کند که آنها نیز متوجه چندگونگی نسخه های تاریخنامه طبری شده بودند. مصحح دانشمند کتاب پس از ایراد دلایل و استنباط های خود به این نتیجه پیش گفته می رسد:

«اینک که سال های بلند از تحقیقات ادبی به شیوه های علمی و بنیادین می گذرد، و دو سه تن از محققان صاحب نظر درباره اثر منسوب به بلعمی بذل اهتمام کرده اند و همگان به نتیجه ای یگانه رسیده اند، تسمیه اثر و باز خواندن آن به نام بلعمی ناروا است و شایسته است نام درست اثر را - تاریخنامه طبری - بخوانیم و برای سفارشی که امیر سامانی، منصورین نوع به زبان ابوالحسن فائق خاصه به بلعمی کرده است و از او درخواست تا متن تاریخ طبری را به فارسی برگردانند، آن را منسوب به بلعمی بدانیم و نه حاصل کار او و ترجمه او.»

افزون بر ارزش های تاریخی تاریخنامه طبری اهمیت این کتاب به عنوان اثری ادبی و شان آن در تاریخ ادبیات ایران و جایگاه آن همچون حلقه ای اصلی از زنجیره تطور زبان و ادب فارسی بر اهل فن پوشیده نیست. در خصوص جنبه ادبی تاریخنامه طبری، مصحح محترم کتاب در پیشگفتار می نویسد: «تاریخنامه طبری، پس از «مقدمه شاهنامه ابومنصور رساله واری بیست و سی برگی است و به فرمان ابومنصور عبدالرزاق طوسی به سال ۳۴۶ هـ. ق گردآوری گشته. دومین متن منثور تاریخخار زبان فارسی است. ترجمه تاریخنامه طبری به سال ۳۵۲ هـ. ق به روزگار سامانیان به دوران منصورین نوع بن احمدین اسماعیل صورت پذیرفته است. از آن روزگاران، در سده های نخستین استقرار حکومت های ایرانی، آثار چندانی به جای نمانده است. از این روی تاریخنامه طبری از نخستین نمونه های ارجمند زبان فارسی دری است که گذشته از قدمت و اصالت، به اعتبار در برداشتن و احتوای آن بر تاریخ عمومی جهان و ایران، از آفرینش آدم (ع) تا روزگار نویسنده، مجموعه ای گرانبار از اساطیر و داستان ها و افسانه های آیینی و ملی است و از سویی دیگر به سبب گنجینه ای گرانبار از واژگان و ترکیب های کهن زبان فارسی و پرهیز از به کار بردن واژه های بیگانه، شایسته بازنگری و بررسی و مذاقه است.»

پیشگفتار مصحح گرانقدر کتاب با شرحی از زندگی نامه، شکل و شمایل فرضی، تحصیلات و مدارج علمی، اوضاع و احوال زمان حیات و آثار طبری (ابوجعفر محمدبن جریر بن یزید بن کثیر بن غالب ۳۱۰-۲۲۵ هـ. ق / ۹۲۳-۸۳۹ م) ادامه

می‌یابد. آنگاه معرفی و بررسی جامع و مفیدی از مهمترین اثر طبری، یعنی اخبار الامم و الملوک یا تاریخ الرسل و الملوک همراه با اظهار نظرات گروهی از مورخان قدیم و محققان و صاحب نظران جدید درباره ارزش‌ها و ویژگی‌های تاریخ طبری ارائه شده است.

در فراز دیگری از پیشگفتار، استاد روشن به توصیف اوضاع و احوال و شرایط زمانی مناسبی که در اثر ضعف و تحلیل قدرت خلافت عباسی از یک سو و ظهور حکومت‌های محلی همچون سامانیان و آل بویه - که علاقه و اهتمام وافری به حمایت از دانشمندان و احیاء زبان مادری داشتند - از سوی دیگر به وجود آمد، می‌پردازد و نشان می‌دهند که مهمترین عامل پیدایی و افزونی آثار فارسی بعد از اسلام، بستر مناسبی بود که به این ترتیب به ویژه توسط حکومت‌های محلی با تمایلات نژادی و قومی و به تعبیری ملی فراهم شده بود.

پیشگفتار مصحح با معرفی کوتاه خاندان بلعمی و تعیین نقش و جایگاه این خاندان در حفظ و اعتلای فرهنگ و ادب ایرانی ادامه می‌یابد. سپس به معرفی و بحث پیرامون «ترجمه تاریخنامه طبری» می‌پردازد. مصحح کتاب در این قسمت ضمن ارج نهادن به تلاش‌های علم دوستانه خاندان بلعمی، معتقدند که خاندان بلعمی تلاش کردند ترجمه تاریخ طبری را به خود منتسب نمایند در حالی که اندیشه این کار متعلق به امیر سامانی بوده و مترجمان آن نیز گروهی از دبیران بوده‌اند.^۱

گزیلهای یافتها و نظرات بدیع استاد محمدروشن پیرامون مترجم و بانی اصلی ترجمه تاریخنامه طبری همچنین شکل و محتوای اثر از این قرار است: «هن که سالی چند از عمر را بر سرسجین نسخه‌های ترجمه تاریخنامه طبری صرف کردم، به قریه‌هایی که از این پس یاد خواهم کرد، انتساب این اثر را به بلعمی نادرست می‌دانم... باری، ابوعلی محمد بن محمد بلعمی که میزان دانش او به درستی سنجیده نیست و آثاری از او نقل نشده و سمعانی نیز نام او را حتی نمی‌برد، به کار ترجمه تاریخ طبری مامور می‌شود. همین و بس. کار را به دبیران و منشیان شایسته و دانشوری می‌سپرد که در دیوان‌های آن روزگار، شمارشان اندک نبود. از بررسی نسخه‌ها به آشکار پیداست که دو روایت‌گونه از ترجمه تاریخ طبری در دست است. گروهی از آن با مقدمه‌ای به زبان تازی و گروهی با مقدمه‌ای به زبان فارسی. کار بسیار بارز است. این دبیران گمنام دانشمند، از نقدی که بر متن تاریخ طبری شده است، آگاهند. روایت‌های گونه‌گون از یک حادثه را فرو می‌نهند، آن روایت را که درست است و دیگر کتاب‌ها و سندها گواه صحت آن، برمی‌گزینند. ذکر اسنادهای مکرر را زاید می‌شمارند. چون روایتی به دلالت اسناد برگزیده شد، ذکر سند ضرورت ندارد یا راه‌های مقبولات را که تا تمام می‌یابند تکمیل می‌کنند. از حوادثی که به دلایلی یاد نشده، آن یاد نشده‌ها را که محمد بن جریر طبری از آن‌ها، آگاهی نداشته و یا نقل آن را ضروری نمی‌دانسته، به جای خود می‌آورند و نقیصه‌ها را با درایت و آگاهی رفع می‌کنند. اثری پدید می‌آید که ارزشی والا و استنادی متقن دارد...»

در روایت‌های دوگانه این ترجمه، ما با کاستی‌ها و افزونی‌هایی روبه‌رو هستیم. کاستی‌های هر دو روایت در ستحش با متن تازی تاریخ طبری به هیچ روی از اعتبار آن نمی‌کاهد، مکرراتی است که آوردن آن ناسودمند بوده است، اما افزونی‌ها، پیداست که حاصل بررسی و پژوهش‌های مترجمان گرامی و دانشمند آن است، رنج بسیار بردانند و از سرچشمه‌های بدیع، کمبودها را تبارک کرده‌اند... اما نکته گفتمی دیگر کمبودها و افزونی‌های دو روایت فارسی نسبت به یکدیگر است. چون ناگزیر روایتی را متن قرار دادیم و در روایت دیگر افزونی‌هایی پدید آمد که آوردن آن را شایسته دانستیم، از افزودن آن دریغ

نورزیدم... زبان ترجمه و گونه برداشت مترجمان، هر چند هم عصر بوده‌اند، یگانه نیست».

در آخرین مطلب پیشگفتار، مصحح محترم از چگونگی آغاز و اهتمام به تصحیح متن تاریخنامه طبری و معرفی نسخه‌های خطی مورد استفاده و مقایسه آنها و معرفی نسخه اساس (نسخه موزه انجمن همایونی آسیایی) و روش کار سخن می‌گویند، در پایان پیشگفتار نیز عکس‌های صفحاتی از نسخه‌های خطی مورد استفاده در تصحیح حاضر به چاپ رسیده است. آنگاه متن تاریخنامه آغاز می‌گردد. گفتمی است که داخل متن هیچ یادداشت و پانویس و توضیحی نیامده، بلکه حاصل همه تلاش‌های مصححانه در پایان کتاب‌ها - به شرحی که در زیر خواهد آمد - گنجانده شده است به طوری که می‌توان گفت تقریباً از مجموع پنج جلد چاپ حاضر، دو جلد متن اصلی و سه جلد تعلیقات و توضیحات و تطبیق نسخ و فهرست‌ها... است. و اما می‌دانیم که در «تاریخنامه طبری» یا تاریخ عمومی عالم نیز به سان سایر تواریخ عمومی که در بطن تمدن اسلامی پدید آمدند، حوادث جهان از زمان حضرت آدم آغاز می‌گردد و وقایع با ترکیبی از تاریخ پیامبران پس از حضرت آدم تا حضرت محمد (ص)، تاریخ اسطوره‌ای ایران، تاریخ باستان ایران و تاریخ اسلام نقل می‌شوند. موخرهای که سال‌ها پس از تالیف متن اصلی بر کتاب افزوده شده، سیر حوادث را تا سال ۵۲۹ ه. ق پی‌گرفته کتاب را با ذکر خبر قتل المسترشد بالله، خلیفه عباسی در سال ۵۲۹ ه. ق به پایان می‌برد.

جلد نخست تصحیح و چاپ حاضر شامل ابتدای تاریخ عالم تا «خبر مرگ قباد» پادشاه ساسانی است. عناوین برخی باب‌های آفرینش آدم (ع)، نبوت حضرت آدم (ع)، خبر پیامبری شیث و ادریس، حدیث کیومرث، پادشاهی طهمورث، پادشاهی جمشید، خبر نوح (ع)، خبر پادشاهی ضحاک، پادشاهی نمرود، هود، یونس و قوم عاد، خبر صالح (ع)، خبر ابراهیم خلیل الرحمن، قصه یاقوب (ع)، قصه یوسف (ع)، خبر ایوب صابر، خبر شعیب (ع)، خبر منوچهر الملکه خبر موسی (ع)، پادشاهی قیباد، و قصه الیاس... همچنین تاریخ پیامبران و پادشاهان ایران تا زمان سلطنت و مرگ قباد ساسانی به ترتیب و توالی ایام حیات و رسالت و سلطنت آنها.

در جلد دوم چاپ و تصحیح حاضر «تاریخنامه طبری» رویدادهای تاریخی و سلطنت پادشاهان ساسانی پس از مرگ قباد و آغاز پادشاهی انوشیروان پی گرفته می‌شود و متن اصلی کتاب با سقوط دودمان ساسانی به پایان می‌رسد. در این قسمت نیز حوادث دوران یادشده در سرزمین‌های دیگر همچون یمن، حبشه و عربستان طبق منابع و روایات اسلامی آورده شده است. این قسمت بخش کمتری از صفحات جلد دوم را در بر می‌گیرد که عناوین پارهای از مطالب آن به این شرح است: پادشاهی نوشروان بن قباد، سبب افتادن ملک یمن به ملک حبشه، خبر آمدن ابرهه بالشکر به قصد خانه خدا، حدیث سیف بن ذریز اندر پادشاهی یمن، ولادت پیامبر (ص)، خبر وفات نوشروان، خبر بهرام شوبین، قصه پرویز با قیصر روم، ذکر علامات و معجزات پیامبر ما (ص)، خبر حرب عرب و عجم بر سر ذی‌قار، نسخه نامه پیامبر (ص) که سوی پرویز خسرو نوشته بود، پادشاهی اردشیر بن شپرویه، پادشاهی شهر براز، پادشاهی بوران دخت، پادشاهی آزرمی دخت، فیروز بن مهران، و پادشاهی یزدجرد بن شهریار، بخش دوم جلد دوم نیز این مطالب را در بر دارد: تفصیل نسخه بدل‌ها (مقایسه تطبیقی نسخه‌ها)، جدول مقایسه عنوان‌های متن فارسی تاریخنامه طبری با متن عربی تاریخ طبری و ترجمه فارسی مرحوم ابوالقاسم پاینده، فهرست آیه‌های قرآنی، فهرست اشعار، فهرست امثال و حکم و از نامه، فهرست

نام‌های متن جلد اول و دوم تاریخنامه (تاریخ پیامبران و تاریخ اسطوره‌ای و تاریخ باستانی ایران)، جلد سوم «تاریخنامه طبری» با رویدادهای تاریخ صدر اسلام از ابتدای زندگانی و رسالت پیامبر (ص) آغاز می‌گردد و حوادث را تا آغاز خلافت حضرت علی (ع) و مقدمات جنگ جمل شامل می‌شود. گزیده عناوین این جلد از این قرار است: ذکر انساب پیغمبر تا آدم صلوات الله، تزویج خدیجه بنت خویلد با پیامبر، سبب ویران کردن خانه کعبه مکیان، وحی آوردن جریر بل بر محمد (ص)، هجرت پیغمبر (ص)، ابتدای غزوات پیغمبر، خبر رسولان که پیغمبر (ص) بیرون کرد و به ملک آن جهان فرستاد، خبر حج اولاد، ذکر زنان پیغمبر، ذکر مولیان پیغمبر (ص)، ذکر دبیران پیغمبر (ص)، نام‌های پیغمبر (ص)، خبر اختلاف مهاجر و انصار اندر سقیفه بنی‌ساعده، خبر خلیفتی ابوبکر، خبر مرتلان، خبر المثنی بن حارثه با عجم به روزگار عمر، خبر وقعه القادسیه، خبر گشاده شدن شهرها به روزگار عمر، ذکر شوری که از پس مرگ عمر کردند، ذکر کشته شدن عثمان، خبر بیعت امیرالمومنین علی بن ابیطالب (ع)، رفتن طلحه و زبیر با عایشه سوی بصره، و رسیدن طلحه و زبیر و عایشه به بصره.

چهارمین جلد از مجموعه پنج جلدی «تاریخنامه طبری» شامل شرح حوادث تاریخ اسلام از اوایل خلافت حضرت علی (ع) و واقعه جنگ جمل تا پایان خلافت «المسترشد بالله» عباسی است. بخشی از مطالب این جلد بعدها به این کتاب افزوده شده که وقایع را تا اواخر خلافت عباسی شامل می‌شود. گزیلهای از مطالب این جلد عبارتند از: خبر حرب جمل، خبر وقعه صفین، خبر خوارج که بر علی (ع) بیرون آمد، ذکر بیعت امیرالمؤمنین حسن بن علی (ع)، خبر پادشاهی یزید بن معاویه، خبر مقتل حسین بن علی (ع)، خبر خروج مختار به کوفه، خبر مرگ عمر بن عبدالعزیز، خلیفتی هشام بن عبدالملک بن مروان، خبر نصر بن سیر به خراسان، بیعت شدن هارون مر پسر خویش را محمدا لأمین و فرستادن فضل بن یحیی را به خراسان، و خبر بنا کردن معتصم سامره را. مطالب کتاب به همین ترتیب تا به خلافت المسترشد بالله ادامه می‌یابد و با مرگ او در سال ۵۲۹ ه. ق ختم می‌گردد. پنجمین مجلد «تاریخنامه طبری» شامل توضیحات و تعلیقات و فهرست‌های مصحح بر بخش تاریخ اسلام تاریخنامه طبری (جلد سوم و چهارم چاپ حاضر) است که این قسمت‌ها را شامل می‌گردد: تفصیل نسخه بدل‌ها (مقایسه تطبیقی نسخه‌های مربوط به بخش تاریخ پس از اسلام کتاب تاریخنامه طبری)، تعلیقات، فهرست آیه‌های قرآنی، فهرست حدیث‌های نبوی، فهرست شهرهای عربی، امثال و حکم، فهرست واژه‌ها، ترکیب‌ها، فهرست نام‌ها، جدول برابری و مقایسه عنوان‌های متن فارسی تاریخنامه طبری با متن عربی تاریخ طبری و ترجمه فارسی مرحوم ابوالقاسم پاینده از تاریخ طبری، و کتاب‌شناسی منابع.

پی‌نوشت‌ها:

- ۱- تاریخنامه طبری، گردانیده منسوب به بلعمی، تصحیح محمدروشن، چاپ اول، تهران، سروش، ۱۳۷۸، جلد اول، صفحه یازده.
- ۲- همان، صفحه چهارده.
- ۳- همان، صفحه هفده.
- ۴- همان، صفحه دوازده.
- ۵- همان، صفحه چهل.
- ۶- همان، صفحات سی و پنج تا چهل و چهار.